

جو کلی  
اد مکگینس  
مارک مورالز  
جیسان کیث  
احمد کلاتیانی

# مرد عنکبوتی و ددپول



# مارول کامیکس

با کمال بی میلی تقدیم میکند ...



پیتر پارکر از یه عنکبوت رادیواکتیو نیش خورد، و این بهش قدرت‌هایی شگفت‌انگیز داد، نظیر سرعت فوق‌العاده، قدرت و چابکی یک عنکبوت، و انگشتان چسبناک. بعد از اینکه یاد گرفت که با قدرت بزرگ، مسئولیت بزرگ هم میاد، تبدیل به بزرگترین قهرمان دنیا شد. او کسی نیست جز ...

## مرد عنکبوتی شگفت‌انگیز

اونجر ... قاتل ... سوپرستار! وید ویلسون برای یک برنامه‌ی فوق‌سری از سوی دولت انتخاب شده بود که بهش قدرت ترمیم از هرگونه زخمی رو داد. در کنار در آوردن پول ناچیزی به عنوان یک مزدور آماده‌ی استخدام، وید تبدیل شد به پرطرفدارترین قهرمان دنیا. و الان ستاره‌ی بزرگترین مجله‌ی کمیک دنیاست (مهم نیست اون مرتیکه‌ی تاری چی فکر میکنه). صدش کنین مزدور و راج ... صدش کنین احمق نمردنی ... صدش کنین ...



# ددپول

### در قسمت قبل:

در یک اقدام شوکه‌کننده، کلی و مگینس با یک اقدام مشترک مرد عنکبوتی و ددپول رو درست سر وقت عرضه کردن.

شانزده سال پیش شروع کرده بودن.

ولی البته کارشون تموم شد! و در اولین قسمت، داستان بزرگ اون موقعی که ددپول مرد عنکبوتی رو گروگان گرفته بود تا تو یه نبرد ساختگی با دورمامو بجنگن که درواقع هم یه بازیگر بیکار بود رو تعریف کردن. هم‌ااش یه نقشه از ددپول بود تا بتونه با عنکبوتی بگرده چون که خیلی ارزش خوشش میاد. به علاوه، ددپول از یه مشکل کوچولو موچولو تو گرفتن تصمیمات اخلاقی رنج میبرد و امیدوار بود که هم تیمی با مرد عنکبوتی بتونه تو حل این کمکش کنه ...

... یکی هم ددپول رو استخدام کرده که پیتر پارکر رو بکشه. "رئیس" مرد عنکبوتی رو.

## واقعا برادرانه نیست؟

بخش

دوم

JOE KELLY WRITER • ED MCGUINNESS PENCILER • MARK MORALES INKER  
JASON KEITH COLOR ARTIST • VC'S JOE SABINO LETTERER

ED MCGUINNESS AND MARTE GRACIA COVER ARTISTS DAVE MARQUEZ AND MARTE GRACIA,  
ED MCGUINNESS AND ANDREW CROSSLEY VARIANT COVER ARTISTS  
MANNY MEDEROS TITLE PAGE DESIGN DEVIN LEWIS ASSISTANT EDITOR  
JORDAN D. WHITE AND NICK LOWE EDITORS

SPIDER-MAN CREATED BY  
STAN LEE AND STEVE DITKO

DEADPOOL CREATED BY  
ROB LIEFELD AND FABIAN NICIEZA

AXEL ALONSO EDITOR IN CHIEF JOE QUESADA CHIEF CREATIVE OFFICER  
DAN BUCKLEY PUBLISHER ALAN FINE EXECUTIVE PRODUCER  
مترجم و ویراستار: احمد کلاتیانی



www.comic-city.ir

# دفتر مدیریتی صنایع پارکر، ساختمان بکستر، شهر نیو یورک

"خب، ظاهراً وقتی  
پیتر پارکر رو توی  
ویکیشنری سرچ  
میکنی ...

"... کامپیوترت همه چی رو  
میریزه رو دایره، کشتن خاله و  
سگای مرده و دلکای  
دندون کوسه‌ای."

بهم بگو که الان  
اینو نریختم روی لباس  
سفیدم.

میتونم بگم،  
ولی دروغه.

چونکه پام  
روی گزارش خودم  
لیز خورد ...

که بهت  
گفته بودم برش دار  
تا پات روش لیز نخوره.  
اینم درسته.

و سی ثانیه  
دیگه هم باید برم جلو  
دوربین.

سه تا شم درست  
گفتی. واقعا این نوشیدنی  
ادمو باهوش میکنه.

"همه‌شو اینجا  
نوشته. نایغه‌ی شیطانی  
عوضی که خود خود  
اشغاله.

زور گو ...

شما! خانوم ...؟  
میشه اون کراواتا رو  
قرض بگیرم؟

همه‌شونو.

"آدم دیوونه.  
با یه ذهن مریض ..."

کی بافت  
فرانسوی بلده؟

من بلدم.  
قربان.

همین الان ترفیع  
درجه‌ات دادم به پادشاه  
فشن.

بیست ثانیه ...  
و تو یه احمقی.

”یه فاجعه که منتظره تا اتفاق بیفته.“

... وبافزار ۲۰۰  
یک انقلاب در ارتباط و  
نظارت بیوریتی ایجاد خواهد  
کرد، و دنیا رو به جای بهتری  
میکنه.

کسی سوالی  
داره؟

اون چه وضع  
کرواته؟

این ... ام ...  
یه کراوات  
نیست.

نه خب،  
تقریبا چهار تا  
کراواته!

یه چیز خیلی جدیده.  
تازه تو میلان معرفی  
کردن.

پهش میگن  
آماسکات.

”آماسکات.“

«خخخخ»

ام ... کراواتای  
قدیمی رو جمع میکنید  
و ... یه جورایی ... دوباره  
مصرف میکنید.

واقعا!؟

فصل بعدی  
همه جای منتهان  
پر میشه از اینا.

ببخشید، من  
باید برم دنبال  
**آماسکات!**  
«خخخخ»

بهتون گفتم که  
وبافزار ۲۰۰ نوی  
پنج رنگ جدید میاد؟

”یه ...“

عشق.  
رقت انگیز. فاسد ...  
که البته به نظرم این یکی از سوی  
فرد فاسدخونده بر اساس شواهد و اثبات  
قابل دفاعه.

میدونستی وقتی  
استرس داری از کلمات  
گنده استفاده میکنی؟

واقعا؟  
مکررا ... ؟  
عه آره.

«پوف» فقط ..  
دارم مدارک بر علیه پارکر  
رو بررسی میکنم. و کاملا واضحه  
که باید خودشو با سطوح پایتتر  
خودش معرفی کنم ...

اونوقت به جای اینکه  
بری سرکارت اومدی رو  
تخت نشستی و داری به این  
کامپیوتر نگاه میکنی ...

... ماسکتم  
که سرته.

این لباس کارمه  
عزیزم. دارم کار  
میکنم.

باید بری کارشو  
تموم کنی ...

اسلحه مورد  
علاقه اتو بردار. شلیک  
کن تو سرش و کارشو  
تموم کن ...

☺  
☺  
☺

شاید لازم باشه  
یادت بیاری که من  
الان دیگه به اونچرم و  
بر اساس قوانین، من حق  
ندارم بدون به دلیل خیلی  
خیلی خیلی خوب یکی رو  
خلاص کنم ...

توی تیم اصلیشون  
نیستی که.

زن نامرد ... ببین  
با من چیکار میکنی ...

آها. حالا داری مثل  
یه زن واقعی حرف میزنی،  
قشنگ بکوب تو سرم ...



اونا ... آدمن؟؟

تو ظاهر پیتز  
کاملاً دهقان فداکاره و  
همش داره به خیریه و اینا کمک  
میکنه و با اوپاما بستنی  
میخوره ...

... ولی به نظر  
میاد که صنایع پارکر تو  
کار به سری شیطنتای خیلی  
بزرگه.

بودن. تا جایی که من  
میدونم. یارویی که میخواد پارکر  
پر بکشه برام همه این "مدارک" رو  
فرستاده.



اگه این اتهامات  
درست باشه .. میتونم قول  
بده صدلی گرم تو جهنم و  
بهش بدم.

به سری ارتباطات  
باهاشون دارم. در جریانی  
دیگه.

دقیقا منم همینو  
میگم! وقتی ملکه‌ی نفرین شدگان  
بهت میگه باید بری جهنم،  
این به حکمه!

خب پس واسه  
چی انقدر دو دلی؟



چونکه بعضی  
مواقع کسایی که یکی رو  
استخدام میکنن تا یکی رو  
بکشه، آدمای بدن که با حقیقت  
آشنا نیستن.

و ... منم نمیخوام  
سر این یکی اشتباه کنم.  
نمیتونم اشتباه کنم.



به آشنای خط تیره  
ابرقهرمان خط تیره آدم خیلی  
خفن مشترک داریم که میتونه  
کمک کنه ...

ولی نمیخوام که  
بدونه دارم به چی فکر  
میکنم. به جورایی مثل الگو  
میمونه برام و ...

عزیزم،  
راه حلش خیلی  
ساده‌است ...

... واسه خودت "مدارک" رو تایید کن.  
اگه پارکر بیگناه بود، خشم تو بر سر کارفرمات خالی  
کن. اگه هم بیگناه نبود، بفرستش  
تو گور.

اینجوری که میگی  
قتل به نظر به سادگیه  
کیک پختن  
میاد.

...

تازه دارم  
میفهمم چقدر تو روی  
افکار من تاثیر  
داری.

پیتز پارکر شاید  
عمرش به دنیا  
نباشه، ولی تو فعلاً  
هستی.

آماسکات!!!

آماسکات!  
آماسکات!

خدارو شکر چیزی بیشتر از یه هفته‌ی  
توی چرخه‌ی خبری ۲۴ ساعته باقی نمی‌مونه.

دیرستانم چهارسال تیکه و ضایع شدن  
مطلق بود. میتونم یه چند روز از "واقعیه‌ی آماسکات"  
رو تحمل کنم.

یه مدیر عامل رک بودن به اون سادگی که  
تونی نشونش میداد نیست. با وجود همه کارای خوبی که  
میتونیم تو صنایع پارکر بکنیم، من اصلا پایهی جلسات و  
دست دادنا و جلو دوربین رفتنا و ... فشارای مدیریتی نیستم.

اگه نمیتونستم هرازچندگاهی یه بار  
تار بازی کنم و خودمو آروم کنم،  
اونوقت دیوونه میشدم و یه لباس مخصوص  
میخواستم که به آماسکاتم بیاد.

مساله اینه که ... واقعا  
"هرازچندگاهی" وقت کافی  
واسه عنکبوت بازی هست؟

BREE-DEET

WOO  
ROUND

LOWE'S LOWE'S HAPPY OPEN 24

سلام مرد  
عنکبوتی! داشتم فکر میکردم  
چه خوبه که ادم ما باشه!  
چه خبر؟

...

گفتی  
"خفت گیری؟"



ل-لطفا بذار من برم  
آقا، اصلا راحت نیستم.

بچگیات کمبود  
محبت داشتی، مگه نه؟ به  
این میگن مهربونی! قشنگ  
جذبش کن.

احتمالا تا قبل اینکه  
مرگ بیاد دنبالت دیگه هیچوقت  
به به ابرقهرمان انقدر نزدیک  
نمیشی ...

چی میخوای؟  
بیست دقیقه است اینطوری ای.  
من کار دارم بابا! تازه  
بوی بدی هم میدی.

جنس چرم کیف پولت  
خیلی خوبه دوست من. و منم  
به این بغل ادامه میدم تا چیزی که  
میخوام و بگیرم ...

FREE  
HUGS  
WITH  
DEADPOOL



مرد عنکبوتی  
واقعی!

من مرد عنکبوتی  
واقعی هستم! و تو هم  
داری قانون شکنی میکنی ...  
فکر کنم ...

تو، آقای محترم، شبیه  
مرد عنکبوتی هستی. احتمالا  
یه کلون باشی. اون از کلونا  
خوشش میاد ...

من به  
کلون  
نیستم!

اتفاقا یه کلون  
هم همینو میگفت.



اوه اوه، یه صدای چسبیدن  
تار از نواحیه پشتیم حس کردم.  
فقط میتونه یه معنی داشته باشه ..  
خداقظ دوستان بغلی!!!

به موقع  
اومدی!  
من  
از دوست  
متنفرم.

این دوست  
من نیست!

خب ...  
با این حرکت جاهای  
مختلفمو یکی کردی.

سرم شلوغه  
ددپول، چی میخوای؟

ام ... ظرف  
میوه هامو تو کیف اونا  
جا مونده؟ فکر کردم ظرفم  
خودش توضیح میده  
همه چی رو.

THWIP





قدرت درک چیز جالبیه.  
ده هزار درصد مطمئنم که چیزی  
که میبینم نمیتونه واقعیت  
باشه.

ارتش گابلین ها.  
قبلا باهاشون مقابله  
کردم.

ولی حس عتکوتیم داره جمجمه‌ام  
و مثل یه میگردن که روی نوک یه بمب  
اتمی زده باشه سوراخ میکنه.

خطر. مایلز هم  
حسش میکنه. یه حس درونیه.

من به حس درونیم اعتماد  
دارم. و حس درونیم هم مثل  
چی ترسیده.

من وقت زیادی از روزمو  
توی سردرگمی میگذرونم.

بعضی مواقع یادم  
میره که فامیلیای شیکلاه از  
کدوم قسمت جهنمن.

بعضی مواقع به جای گلوله مشقی  
گلوله واقعی میذارم توی  
اسلحه هام.

حتی مجبور شدم گیم آف ترونز  
رو از اول ببینم که مطمئن بشم  
وقتی که بازیگر داربو ناهاریس رو  
عوض کردن من توهم نزدم.

واقعیت جز نقاط قوت من نیست ...  
واسه همین وقتی یه توهم و میبینم  
خوب میدونم چیه.

خوش بختانه، همپطور که  
دارم به سمت رسواییه ابدی  
میرم، به یه چیزی توجه  
میکتم ...

... اینکه همه تو این نمایش  
ترسناک شریک نیستن.

خوبه که پول اضافی  
دارم که دکور درونیه ماشینمو  
ضد خون بسازن.

یه بچه فقیر ... یه  
یاروی درویش ... یه خانم  
خیلی مسن ... من، حرفه‌ای‌ها  
به این میگن سرفنج.

SKETCHH

WILL MAKE FOOD

باید بریم!  
باید از اینجا بریم  
بیرون! باید ...

مرد عنکبوتی!  
آروم بگیر! به جای کار  
میلنگه، ولی ...

... لعنت بهش،  
فقط به زدن اینو اون ادامه  
بده تا بفهمم باید  
چیکار کنیم!

LA  
CUCARACHA!

دارم ... دارم درست  
میبینم؟

اگه نگران این  
نبودم که شهر داره میفته دست  
یه ارتش گابلین ها ... حساسی  
عصبانی میشدم.

داره میاد ددپول  
داره میاد ددپول ...

داره میاد بالا  
از دیوار!

عاشقتیم ددپول  
عاشقتیم ددپول ...

ماشینت هست  
خیلی باحال!

VRRRRRRRRR

RALES PUB

میبینم که دارید  
از یه توهمه گسترده و  
بزرگ رنج میبرید.

شاید گلو تنتون  
زده بالا. یا زیادی  
شبکه کارداشیان نگاه  
کردین.

نه! بذار بره!  
گابلین ها! گابلین ها!

تو داری باهاشون  
کار میکنی! واسه تو  
همیشه همینه، مگه نه؟ هرکی  
پول بیشتر و بده، قدرت  
بیشتر و داره ...

میدونستم  
نمیتونم بهت اعتماد  
کنم!

چرا اصلا ...؟

عنکبوت کوچولو! بزرگا  
دارن با هم حرف میزنن.

چطوری من میتونستم  
انقدر احمق باشم که فکر کنم  
یه درصد تغییر داره توی رفتارت  
به وجود میاد؟!!

اولا که، داشتی  
بهم فکر میکردی؟  
آخیییی!

دوما که، اگه فقط  
بهم بگی که اون تکنولوژی  
پارکرت کجاست، از حرف الانت  
پشیمون میشی...

BLAMM  
BLAMM

KTSCHH

SKTCHH

...

و-وب افزار ... ؟  
ت-توهم ... از توی  
اون ... ؟  
تو مارو  
نجات دادی؟

متاسفم، من ...

نه، من نه.  
من یه احمق وحشی‌ام.

مهم نیست.  
که یه رمز بین پسر است  
که یعنی "ببند  
دهنتو."

به جاش، بذار  
راجع به رئیس گل گلاب  
میلاردت تو راه زدنش  
حرف بزنیم.

دنیا داره نابود میشه  
و تو توی طرف غلطه  
قضیه‌ای!

همیشه توی طرف  
غلط قضیه‌ای! میخوای  
بدونی چرا من ازت متنفرم؟  
دلایلش اینه!

تو خودخواهی،  
احمقی و من نمیتونم بهت  
اعتماد کنم که پشتمو داشته  
باشی!



درست قبل اینکه  
بیفتم بغل آپولو متوجه شدم  
که اون مردم فقیر و پیر پاتالا  
و دور از تکنولوژی ها مثل  
خودم دیوونه نشده  
بودن.

داغترین تکنولوژی  
روز بازار به نظر دلیل  
خوبی میومد.

یکی شبکی  
وبافزار و هک کرده  
و رابط بیومتریشو برعکس  
کرده ...

آره ...  
"یکی"

به جای اینکه  
از توی دستگاه ها اطلاعات  
جمع کنه، داره اطلاعات  
میفرسته به مغز  
کاربر ...

اهریمنی.  
خافلگیر کننده. فجیحا  
به دنبال ویرانی شهروندان ... اه  
لعنتی، باز دارم اینکارو  
میکنم.



این کار  
رئیس تونه!

پیتر پارکر؟  
واقعا ... ؟

شنیدی چی گفتم تاری.  
پارکر الان هرکی که تونست به  
دستبند گرون قیمت و بخره رو  
فرستاد به یه داستان  
تخیلی.

من عوضی ام، ولی  
پیتر پارکر یه ابرتهکاره.  
آره، گفتمش.



من میتونم با  
اطمینان صددرصد تضمین  
بدم که پیتر پارکر تو این  
قضیه دستی نداشته.

به مدیره میگن شاهدت  
کیه میگه اونیه که مثل چی  
واسه کارمندیم به پام میفته.

واسه چی انقدر  
درگیر پیتر پارکری؟



چرا همه به پارکر  
اعتماد میکنن و به من نمیکنن؟

همه اسرار خودمونو  
داریم، و من بهتون میگم که  
اسرار پارکر خیلی خیلی  
بدن!

وید ... من ...  
وقتی که گفتم ...

حرفتو زدی.  
منم شنیدم. مهم هم  
نیست، ما دوست  
نیستیم ...

میتونی سیگنال و  
تنظیم کنی یا هرچی؟



ل-لطفا ...  
م-مردم آسیب مبینن.  
این سیستم قرار  
نبود که ...

بله که  
قرار بود.

پارکر متوجه  
قدرت دستگاهش  
نشد. جالبه ...

... که چطوری خودمونو  
گول میزنیم تا توهمات  
خودمونو باور کنیم.



باور داره که  
آدم خوبیه. این شهر  
باور داره که پارکر آدم  
خوبیه...

... ولی مثل  
هر توهمی، به تغییر  
کوچیک توی نحوه دید  
همه چیز رو نمایان  
میکنه.

یک مسیر اشتباه به قیمت  
قبر تموم میشه. وقتی که جنازه‌ها  
روی هم انباشته بشن و شهر  
رو پر کنن ...

... همه چهره‌ی  
واقعی هیولا رو خواهند  
شناخت.

این یک قوله  
از طرف

**میستریو!**









کل آزمایشگاه پر بود از مواد شیمیایی ترس زا و توهم زا و اینا. یک آماده‌ی یه نبرد بزرگ بود.

خب ... ما هم حسابی حالشو گرفتیم دیگه، مگه نه؟ وقتی میشه با ماشین بری رو ابرتهکارا، دیگه قدرت میخوای چیکار؟

دکترا میگفتن تو زندگیشو نجات دادی.

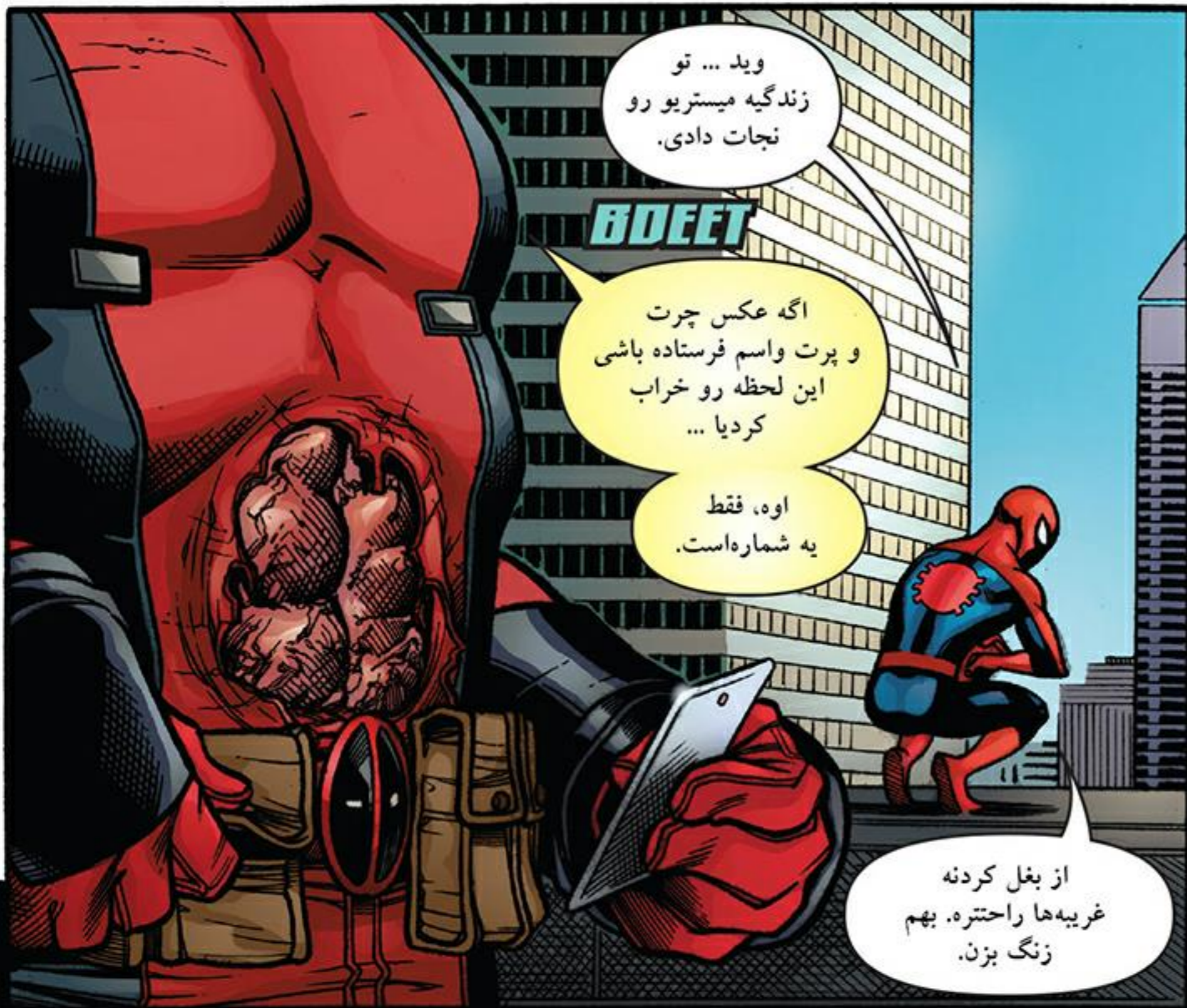
ناهار غذای تایوانی خورده بود، واسه همین نفس مصنوعی بهش مزه فلفل میداد ... نمیدونم، راجیچی ...



راتی؟ فکر میکردم اون غذا هندی باشه.

یه سری آشپزای محلیو دیدم درست میکنن.

زیاد سفر میکنیا.



وید ... تو زندگیه میستر یو رو نجات دادی.

اگه عکس چرت و پرت واسم فرستاده باشی این لحظه رو خراب کردیا ...

اوه، فقط یه شماره‌ه‌است.

از بغل کرده غریبه‌ها راحت‌تره. بهم زنگ بزن.



میزنم ... با یه فیش برای رئیس. یه ساعت وقت خرج کردم که بیزینس مسخره‌شو نجات بدم.

بهش امتیاز خوب بده. درضمن، خوبه که اسپایدرباگی رو برگردوندی.

اسمش ددباگیه. و اگه چیزی به اسم اسپایدرباگی وجود داشته، مطمئنم که ایده‌شو از من کپی شدی.



حالا وقتی که تو داری توی غروب خورشید تاب میخوری و امنیت صنایع پارکر پایینه ...

یه چند دقیقه وقت دارم تا یه سر و گوشی آب بدم.



آقای کارفرما یه سری اطلاعات راجع به این ساختمون فرستاد، پس ...

بین اینجا  
دیگه چه خبره ...

آقای پارکر! م-متوجه  
شدیم که یه سری مشکلات  
پیش اومده.  
بهتون تضمین  
میدم ...

اون پارکر  
نیست.



نه ...  
نه، نیستم.

ساختمونو قفل کنین!

ترسید بابا، من  
مامور سلامتتم. دستاتونو  
قبل کار واسه سی ثانیه  
شستین؟

پارکر رو خبر  
کنید! ما ... وای خدا ...  
اون ددپوله ...

وای نه ... مثل  
اینکه شماها به سری  
خلاف ضد بهداشتی  
کردین. روی ظرف  
سالاد کیسه مراقبت  
در مقابل عطسه  
نکشیدین ...

اون سلاح روده  
برتون به نظر شسته شده  
نمیاد ...



پروتکلای ایمنی رو بذارین  
کنار! شلیک کنین! شلیک  
کنین!

و خوکای آزمایشگاهیتون  
به نظر میاد آدمایی باشن که  
اشتیاقی به این کار ندارن.

به خاطر این باید  
تعطیلتون کنم. شرمنده.

حالا به اونم  
میرسم ... اول میخوام  
پوست بکنم ... بعد تیکه  
تیکه کنم.

اگه در صورت دیدن  
تیکه های خودتون روی زمین  
از حال میرین، پیشنهاد میکنم فوراً  
به خودتون توی سر شلیک  
کنین.

واقعا امیدوارم  
که نکنین.



YEAAAAGH!



البته شرمنده.  
معمولا جوکای بیشتری میگم  
قبل اینکه قطع عضو و  
شروع کنم. جبران  
میکنم ...

... قبلش  
باید به زنگ بزنم.  
تماس صوتی بگیر  
با ...



"مشتری  
بیمار صفرم!"

BOEET

"حرف بزن"

"اوهوم، سلام ... ددپولم.  
بابت سر و صدا شرمنده، دارم  
به کار میکنم به عده آرزو کنن  
ای کاش هیچوقت به دنیا نیومده بودن."

"انتظار تماس تو  
نداشتم. راجع به درخواست  
من تصمیم گرفتی ...؟"



آره، پایه‌ام.  
تمام و کمال.

ازت ممنونم ...  
من نمیتونم ... ازت  
ممنونم.

شوخی میکنی؟  
از خدایه که پارکر و  
بشونم سر جاش.

روز خوبی  
داشته باشی.

پایان قسمت دوم

# میخواهی بدونی قسمت بعدی چی میشه؟



**COMIC CITY**

[www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

ترجمه شده توسط:

# کمیک سیتی

مرجع دانلود کمیک های ترجمه شده

 [www.comic-city.ir](http://www.comic-city.ir)

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR



BatMan



The Flash



Deadpool



Assassins  
Creed



Arrow



Ant-Man



Spiderman